تقدیر رئیس کمیسیون امنیت ملی از معاونت سیاسی رسانه ملی

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، از تلاش‌ها و پوشش‌های خبری مؤثر معاونت سیاسی رسانه‌ملی در انعکاس روایت اقتدار و ایستادگی جانانه ملت تقدیر کرد. دکتر ابراهیم عزیزی در این پیام، خطاب به دکتر حسن عابدینی، معاون سیاسی رسانه‌ملی، نقش رسانه‌ملی به عنوان پیشقراول رسانه‌های انقلابی در محور قرار دادن حقیقت رو روشن‌سازی مسیر حق برای مردم را اثرگذار دانست.وی همچنین از همه خبرنگاران و عوامل خبری که در این بمباران خبری رسانه‌های شَر، ایستادگی نمودند و علمداری رسانه‌های انقلابی را برعهده داشتند، تقدیر و تشکر کرد.

قرارگاه جنگ و پاورقی در صدر توجه بینندگان سیما

پیامک‌های ارسالی مخاطبان به سامانه ۱۶۲ روابط عمومی صداوسیما نشان می‌دهد بینندگان رسانه ملی در هفته گذشته برنامه‌هایی چون سرآشپز، قرارگاه جنگ، پاورقی و به وقت ایران را پسندیده‌اند. آنچه از مجموعه پیام‌ها و واکنش‌های مخاطبان به‌دست می‌آید، صرفا یک فهرست از گلایه‌ها یا درخواست‌های پراکنده نیست؛ بلکه تصویری روشن از یک افکار عمومی حساس، پیگیر و مطالبه‌گر را پیش چشم می‌گذارد. مخاطب به‌دنبال پاسخگویی است و برنامه‌ای مثل «قرارگاه جنگ» به‌واسطه همین رویکرد، به مرجعیت گفت‌وگو برای این بخش از جامعه تبدیل شده است.

پشت پرده سهم‌خواهی از آنتن

صداوسیما با گسترش عدالت آنتن و روایت استان‌ها فشارهای سیاسی برای تضعیف جایگاه این نهاد ملی را ناکام گذاشته است

اصغر توسلی
گروه رسانه

شاید یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها این باشد که چرا امروز بخشی از حملات علیه رسانه‌ملی دقیقا در مقطعی افزایش پیدا کرده که سازمان تلاش می‌کند براساس تکالیف و ماموریت‌های محوله، ساختار و محتوای خود را برمبنای اقتضائات جامعه به‌ویژه پیامدهای جنگ ۱۲روزه و جنگ رمضان تغییر دهد؟ آیا همه این انتقادات صرفا از جنس نقد کارشناسی است؟ قطعا خیر. بخشی از فضای سیاسی کشور همواره ترجیح می‌دهد رسانه‌ملی در وضعیت منفعل باقی بماند، یعنی رسانه‌ای که صرفا واکنش نشان دهد، تدافعی باشد و برای هر اقدام خود عذرخواهی کند؛ اما حرکت کلان سازمان براساس سند تحول دقیقا قصد دارد این وضعیت را تغییر دهد. تحول، برخلاف تصویری که برخی منتقدان تلاش می‌کنند از آن بسازند، به‌معنای زیرورو کردن همه‌چیز و شروع از نقطه صفر نیست؛ تحول یعنی بازاندیشی در یک مسیر، اصلاح سازوکارهای ناکارآمد و رساندن یک مجموعه به نقطه‌ای که بتواند با اقتضائات زمانه و نیازهای مخاطب خود هماهنگ شود. صداوسیما نیز در سال‌های اخیر تلاش کرده چنین مسیری را با یک نقشه‌راه مشخص دنبال کند؛ نقشه‌ای که در تیرماه ۱۴۰۱ باعنوان سند تحول رسانه ملی رونمایی شد و افق پنج ساله‌ای را پیش روی سازمان قرار داد. باید این حقیقت را روشن گفت: انتقادهای تند و گزنده برخی اصلاح‌طلبان و نیز برخی مسئولان از صداوسیما را نیز باید در همین چارچوب بررسی کرد؛ بخشی از این انتقادات حول بی‌طرفی سیاسی، شیوه پوشش اخبار، نحوه مواجهه با چهره‌های سیاسی و میزان بازتاب دیدگاه‌های مختلف شکل گرفته است. این نقدها در صورتی که مستند، مشخص و ناظر بر عملکرد باشند، می‌توانند به اصلاح رسانه کمک کنند اما مساله از جایی آغاز می‌شود که نقد حرفه‌ای جای خود را به یک روایت کلی و سیاسی می‌دهد؛ روایتی که در آن هر اقدام رسانه‌ملی، پیشاپیش برچسب «جانبداری» می‌خورد و هر تحول مدیریتی یا محتوایی، به‌عنوان پروژه‌ای برای حذف یک جریان سیاسی معرفی می‌شود. در اینجا باید مرز را روشن کرد؛ رسانه‌ملی قرار نیست رضایت یک جریان سیاسی خاص را جلب کند. اگر قرار باشد هر بار رسانه‌ملی برخلاف سلیقه یک جریان سیاسی عمل کرد، متهم به جناحی‌بودن شود، اساسا امکان سیاست‌گذاری مستقل برای این رسانه از بین می‌رود. از سوی دیگر، برخی حملات به سازمان را نمی‌توان جدا از رقابت گسترده‌تر بر سر مرجعیت رسانه‌ای در کشور دید. امروز مساله فقط یک شبکه تلویزیونی یا چند برنامه نیست؛ بلکه پرسش اصلی این است که چه‌کسی روایت‌کننده ایران باشد، چه‌کسی مسائل جامعه را قاب‌بندی کند و چه رسانه‌ای بتواند اعتماد و توجه مردم را به‌دست‌آورد. در این میدان رقابتی، طبیعی است که صداوسیما زیر فشار باشد اما طبیعی‌بودن فشار، به‌معنای درست‌بودن فشارها نیست. رسانه‌ملی اگر قرار است در میدان جنگ روایت‌ها نقش‌آفرین باشد، نمی‌تواند با هر موج انتقادی عقب‌نشینی کند. همان‌طور که نباید از نقد منطقی بترسد، نباید اجازه دهد حملات سیاسی، مسیر تحول را متوقف کنند.

سند تحول؛ نقشه‌راه رسانه‌ملی برای عبور از سهم‌خواهی‌ها

با این حال، تحول هنوز تمام نشده است؛ حمایت از «سند تحول صداوسیما»، نه یک انتخاب، که ضرورتی برای ارتقای کیفی رسانه‌ملی است؛ سندی که اکنون به نماد ایستادگی در برابر فشارها و زیاده‌خواهی‌ها تبدیل شده است. برخلاف هجمه‌های سازمان‌یافته‌ای که با هدف باج‌گیری سیاسی و سهم‌خواهی جناحی علیه رسانه‌ملی صورت می‌گیرد، صداوسیما با تکیه بر این سند، مسیری فراجناحی را در پیش گرفته و ثابت کرده تریبون اختصاصی هیچ جریان و گروه خاصی نخواهد بود. این سند نه یک ویترین تبلیغاتی، بلکه منشور بازگشت به هویت ملی است. جریان‌هایی که امروز با حمله به صداوسیما به‌دنبال سهم‌خواهی هستند، باید بدانند که دوران «رسانه تریبونی» برای احزاب خاص به پایان رسیده است. رسانه‌ملی در چارچوب سند تحول، نه به‌دنبال جلب رضایت صاحبان قدرت و ثروت، بلکه به‌دنبال بازنمایی حقیقت جامعه و عدالت‌محوری است. البته حرکت در این مسیر تهاجمی برای اصلاح، نیازمند چابک‌سازی در ساختارهای مالی، اداری و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های خلاقانه است. تعامل هوشمندانه با پلتفرم‌ها و تقویت تنظیم‌گری در حوزه صوت و تصویر فراگیر، از ارکان این تحول است که با قاطعیت پیگیری می‌شود. در نهایت، موفقیت سند تحول در «برندینگ» نیست؛ بلکه در کیفیت آثار، روایت صادقانه از مسائل استان‌ها، سرعت خبر و قدرت اقناع افکارعمومی است. تفاوت بنیادین امروز در این است که صداوسیما بین «نقد مشفقانه برای ساختن» و «هجمه سیاسی برای حذف» مرزبندی مشخصی دارد. رسانه‌ملی در برابر دومی، نه‌تنها منفعل نخواهد بود، بلکه با اتکا به همین سند تحول، اقتدار رسانه‌ای خود را در برابر تمام جریان‌های سهم‌خواه به رخ خواهد کشید.

یک رسانه‌ملی مقتدر و مطالبه‌گر

صداوسیما برای تثبیت این جایگاه، از موضع «دفاع انفعالی» عبور کرده و به موضع «اقتدار مطالبه‌گر» رسیده است. رسانه‌ملی نباید در برابر حملات سیاسی، به وضعیت تدافعی و عذرخواهانه برود؛ چراکه رسانه‌ملی، مأمور جنگ روایت‌هاست و در این میدان، اقتدار حرف اول را می‌زند. وظیفه رسانه، نه‌تنها روایت پیشرفت و معرفی ظرفیت‌های کشور، بلکه ایستادن محکم در برابر روایت‌های تحریف‌شده است. این مأموریت، دقیقا نقطه مقابل «رسانه جناحی» است. فراجناحی بودن واقعی، به معنای بی‌طرفی مصلحت‌اندیشانه نیست، بلکه به معنای «استقلال از گروه‌های خاص» و وفاداری مطلق به منافع ملی است. رسانه‌ملی حق نقد عملکرد هر نهادی و دفاع از هر اقدام درستی را دارد؛ این تلاطم سازنده، نشانه سلامت و استقلال است، نه تناقض.

تحول با صدای مقتدر و ساختارمند ادامه خواهد داشت

سند تحول باید از میان لایه‌های حاشیه‌های سیاسی بیرون کشیده شود و به جایگاه اصلی خود یعنی «متن قدرت» بازگردد. یک نکته را باید به وضوح دانست: تحول صداوسیما قرار نیست با هیچ موج حمله سیاسی یا فشار رسانه‌ای متوقف شود. اگر جریان‌هایی با هدف سهم‌خواهی و بازگرداندن رسانه به دوران «تریبون‌های حزبی»، بکوشند این مسیر را متوقف کنند، پاسخ صداوسیما نه سکوت خواهد بود و نه عقب‌نشینی؛ پاسخ، تهاجم کیفی، کار بیشتر، روایت مقتدرتر و دفاع بی‌پرده از دستاوردهای خود است. فضای تحول، وابسته به افراد نیست، بلکه مبتنی بر ساختاری است که از سطح افراد فراتر می‌رود. اگر رسانه‌ملی توانسته استان را به متن بیاورد، سرمایه‌های محبوب را احیا کند و در بزنگاه‌های حساس، آنتن را از چنگال روایت‌های بیگانه نجات دهد، نباید این پیروزی‌ها را زیر آوار حملات یکطرفه پنهان کرد. نقد حق است اما تخریب دستاوردها، برخورد با حقیقت است. صداوسیما با اتکا به سند تحول، نه از ضعف‌های خود هراس دارد، و نه از دفاع از نقاط قوت و اقتدار خود عقب می‌نشیند. معیار اصلی صداوسیما، نتیجه‌ای است که مردم با قدرت و اعتبار رسانه‌ملی، روی آنتن لمس می‌کنند.

اگر قرار است این تحول عظیم ادامه یابد، باید با صدایی رساتر و مقتدرتر پیش برود؛ صدایی که هم انعکاس خواسته‌های مردم باشد، هم مسئولان را مطالبه‌گرانه خطاب کند، هم دستاوردها را با افتخار روایت کرده و هم در برابر حملات سیاسی و تلاش برای عقب‌گرد، هرگز منفعل نشود.

گذار از «نقد عملکرد» به «پروژه سیاسی بی‌اعتبارسازی»

اما در فاصله میان «متن سند» و «تصویری که برخی در افکار عمومی می‌سازند»، اتفاقی نادرست در حال رخ دادن است: بخشی از بحث‌ها به‌جای تمرکز بر اهداف و دستاوردهای واقعی سند، حول برداشت‌های مغرضانه و با فاصله از منطق تحول شکل گرفته است. اینجا باید با صراحت گفت: چرا هر حرکت اصلاحی و مقتدرانه در رسانه‌ملی، پیش از آن‌که فرصت ارزیابی واقعی پیدا کند، با موجی از اتهام و حمله مواجه می‌شود؟ چرا بخشی از جریان‌های سیاسی که مدعی تکثر و تنوع هستند، در مواجهه با هرگونه تغییر ساختاری در رسانه‌ملی که از الگوی سنتی و حزبی فاصله می‌گیرد، سریعا به صف منتقدان می‌پیوندند؟ باید میان «نقد سازنده برای بهبود عملکرد» و «پروژه سیاسی برای بی‌اعتبار کردن یک نهاد ملی» مرزی روشن کشید. پاسخگویی رسانه‌ملی به معنای پذیرفتن هر روایت سیاسی ساخته‌شده یا تسلیم در برابر اتهامات بی‌اساس نیست.

عدالت در آنتن؛ فتح قله دیده‌شدن مردم

بزرگ‌ترین دستاورد و قله‌ای که در مسیر سند تحول فتح شده، تحقق «عدالت در آنتن» است. ادعای قدیمی که می‌گفت «مردم خودشان را در تلویزیون نمی‌بینند»، با اجرای سند تحول به چالشی برای اثبات واقعیت تبدیل شده است. امروز، آنچه در قاب رسانه‌ملی می‌گذرد، عین خواسته رهبرمعظم‌انقلاب و تداوم مسیر نگاه رهبری شهید برای ایجاد وحدت، همدلی و انسجام ملی است. در «ایران‌جان»، مردم یک استان، نه‌فقط به‌عنوان مخاطب، بلکه روایتگر اصلی آن هستند. در پویش‌های اجتماعی، برنامه‌های استانی و سریال‌سازی‌های جدید، مردم توانسته‌اند تنوع فرهنگی، زیست روزمره و ظرفیت‌های مناطق مختلف را در تلویزیون ببینند. اینها صرفا تغییر محتوا نیست؛ این یک مأموریت ملی است. سند تحول موفق شده است نسبت مردم و تلویزیون را از «تماشاچی بودن» به «حضور داشتن» تغییر دهد. وقتی مردم خودشان را در تلویزیون می‌بینند، یعنی عدالت در آنتن برقرار شده و انسجام ملی از طریق رسانه در حال تقویت است.

آزمون سخت: ایستادگی در برابر بحران و حملات

اگر هدف منتقدان واقعا افزایش سهم مردم در رسانه است، چرا هرگاه رسانه‌ملی به سمت بازگرداندن سرمایه‌های محبوب، خاطره‌ساز و ملی خود حرکت می‌کند، بخشی از همان جریان‌ها زبان حمله را انتخاب می‌کنند؟ پاسخ این است که آنها به دنبال «مردم» نیستند، بلکه هدف‌شان کسب «سهم» و «تریبون» است. صداوسیما در سخت‌ترین روزهای کشور، از ایام جنگ و اصابت موشک به ساختمان سازمان گرفته تا بحران‌های امنیتی، نشان داد تحول واقعی چگونه شکل می‌گیرد. تحول، تنها در جدول برنامه‌ها نیست؛ تحول در «تاب‌آوری» رسانه‌ملی است. رسانه‌ای که در لحظاتی که جامعه بیش از هر زمان به روایت حقیقت و آرامش نیاز دارد، از حرکت بازنمی‌ایستد، از تحلیل مقتدرانه و از حفظ آنتن در برابر حملات، دست نمی‌کشد؛ این همان جایگاه ملی است که با سند تحول تثبیت شده است. رسانه‌ای که در روزهای عادی برنامه می‌سازد، یک رسانه است اما رسانه‌ای که در سخت‌ترین روزها، با تکیه بر سند تحول و در مسیر وحدت ملی، از ایستادگی در برابر فشارها و حفظ ارتباط با مردم دست نمی‌کشد، رسانه‌ملی مقتدر است.

دستاوردهای غیرقابل انکار سند تحول

باید این حقیقت را روشن گفت: تقلیل دادن فرآیند عظیم «سند تحول» به میزان جذب مخاطب در چند برنامه خاص، نه‌تنها نادیده گرفتن واقعیت‌هاست، بلکه تلاشی برای منحرف کردن بحث از مسیر اصلی تحول است. گرچه جذب مخاطب هدف هر رسانه‌ای است اما تحول در رسانه‌ملی، پروژه‌ای فراتر از اعداد و ارقام ساده است. تحول، یعنی توسعه زیرساخت‌های فنی، گسترش مقتدرانه شبکه‌های استانی، بهره‌گیری هوشمندانه از آنتن سراسری برای معرفی ظرفیت‌های کشور، روایت پیشرفت‌های ملی، تقویت تولیدات راهبردی و ورود جدی و مقتدرانه به عرصه‌هایی چون سینما و فضای مجازی. اینها دستاوردهای عملیاتی سند تحول هستند که نباید اجازه داد زیر هجمه‌های سیاسی و روایت‌های ناقص، گم شوند.

پایان دوران «مرکزگرایی»

طرح‌های راهبردی مانند ایران‌جان، دقیقا همان جایی هستند که سند تحول، نگاه سنتی و مرکزگرا را به چالش کشیده است. در این نگاه جدید، استان‌ها دیگر حاشیه یا صرفا تماشاگر پایتخت نیستند؛ بلکه خود «متن روایت ایران» هستند. وقتی ظرفیت آنتن سراسری در اختیار یک استان قرار می‌گیرد، رسانه‌ملی پیامی قاطع و غیرقابل‌انکار مخابره می‌کند: این کشور فراتر از تهران و این ملت گسترده‌تر از چهره‌های محدود و تکراری سالیان گذشته است. این یعنی تحقق واقعی «عدالت در آنتن» که از قله‌های استراتژیک سند تحول است.

تاب‌آوری در بحران

عملکرد رسانه‌ملی در مقاطع حساس و بحران‌های ملی، ثابت کرده که صداوسیما فراتر از یک تولیدکننده برنامه‌های سرگرمی، یک نهاد مقتدر و رسانه‌ای فراگیر است. در لحظاتی که کشور با چالش‌های جدی روبه‌رو بوده، رسانه‌ملی با تکیه بر ساختارهای نوین سند تحول، نقش خود را در حفظ امنیت روانی و روایت حقیقت ایفا کرده است. این یعنی سازمان، نه یک نهاد انفعالی، بلکه یک رکن استراتژیک در مدیریت بحران‌های ملی است. باید برای همه روشن شود: نمی‌توان مدعی «عدالت رسانه‌ای» بود و همزمان، هرگاه استان‌ها و مناطق مختلف کشور در قاب تلویزیون حضور یافتند، آنها را نادیده گرفت. نمی‌توان از «تنوع فرهنگی» سخن گفت و در عین حال، تولیدات مناطق مختلف را از صورت مسأله حذف کرد، و قطعا نمی‌توان از «روایت مردم» حرف زد و حضور پررنگ آنها را در پویش‌ها و برنامه‌های جدید، نادیده گرفت. کسانی که می‌خواهند عملکرد صداوسیما را بسنجند، باید این واقعیت‌های ملموس را روی میز بگذارند. نادیده گرفتن این دستاوردها دیگر نقد عملکرد نیست؛ بلکه تلاشی برای انکار تحولی است که با قدرت و در مسیر مأموریت ملی، پیش می‌رود.

برش

عدالت آنتن در سایه سند تحول

حالا که چندسال از رونمایی سند تحول گذشته، شاید زمان آن رسیده باشد که از دوگانه «تحول شده یا نشده» عبور کنیم و سؤال دقیق‌تری بپرسیم: کدام بخش‌های سند اجرا شده، کدام بخش‌ها به نتیجه رسیده و کدام بخش‌ها هنوز نیازمند اصلاح است؟ صداوسیما برای معرفی دستاوردهای خود در مسیر تحول، اقداماتی انجام داده و نمونه‌های مختلفی را به افکارعمومی ارائه کرده است اما در مقابل، برخی رفتارها و حاشیه‌ها باعث‌شده بخشی از بحث عمومی به‌جای اصل سند، حول برداشت‌های ناقص از آن شکل بگیرد. واقعیت این است که سند تحول نه نسخه‌ای برای حذف سلبریتی‌هاست، نه دستورالعملی برای کنارگذاشتن برندهای موفق و نه مجوزی برای تکرار همان الگوهای قدیمی با نامی تازه. فلسفه آن، اگر بخواهیم ساده بگوییم، تغییر رویکرد رسانه برای ساختن رسانه‌ای هویت‌محور، عادلانه‌تر، چابک‌تر و اثرگذارتر است. و شاید مهم‌ترین نشانه این تغییر، همین باشد که در سال‌های اخیر، گروه‌های بیشتری از مردم توانسته‌اند خودشان، شهرشان، استان‌شان، قهرمانان‌شان، مسائل‌شان و حتی روایت‌های‌شان را در قاب رسانه‌ملی ببینند. «ایران‌جان»، عدالت آنتن، سریال‌سازی درباره مناطق کمتردیده‌شده، برنامه‌های استانی، پویش‌های مردمی، بازگشت برخی برندهای محبوب، تلاش برای احیای سرمایه‌های خاطره‌ساز تلویزیون و عملکرد رسانه در بحران، هرکدام قطعه‌ای از این پازل هستند. البته این مسیر هنوز به‌پایان نرسیده است. حتی می‌توان گفت صداوسیما امروز در نقطه‌ای قرار دارد که می‌توان از «آغاز یک تحول» سخن گفت، نه پایان آن. کیفیت برخی تولیدات، توسعه ظرفیت‌های استانی، روایت پیشرفت، مدیریت چهره‌ها، تولیدات راهبردی، ورود به حوزه‌های تازه و عملکرد رسانه در مقاطع بروز بحران، نشانه‌هایی از این تغییر است.

ذره‌بین

تحول در قاب شبکه‌های استانی

معاون امور استان‌های سازمان صداوسیما با حضور در برنامه «صف اول»، ضمن تشریح ابعاد تحولی در شبکه‌های استانی، از واگذاری اختیارات به مدیران مراکز و اختصاص روزانه ۱۰ ساعت از آنتن شبکه‌های سراسری به تولیدات استانی سخن گفت. به گزارش روابط عمومی رسانه‌ملی، برنامه صف اول در تازه‌ترین قسمت خود، میزبان علیرضا کیخا بود تا عملکرد این معاونت در پیاده‌سازی سند تحول رسانه‌ملی و اقدامات صورت‌گرفته برای ارتقای کیفی شبکه‌های استانی را بررسی کند. معاون امور استان‌های سازمان صداوسیما در ابتدای این گفت‌وگو، به تشریح فلسفه وجودی و مأموریت‌های شبکه‌های استانی پرداخت و تأکید کرد: شبکه‌های استانی موظفند روایتگر دقیق زندگی، زیست‌بوم و سبک زندگی مردم در همان اقلیم باشند و با شناسایی مسائل استان، در جهت حل آنها گام بردارند. وی ادامه داد: این شبکه‌ها باید نسبت خود را با پیشرفت‌های انقلاب اسلامی مشخص کنند و با به تصویر کشیدن آنچه بودیم و آنچه شدیم، به بازنمایی هویت بومی در قاب رسانه‌ملی بپردازند. کیخا با اشاره به این‌که در گذشته سهم استان‌ها از آنتن شبکه‌های ملی بسیار محدود بود، تصریح کرد که در این دوره پنج‌ساله، مأموریت استان‌ها دستخوش تغییر اساسی شده است. براساس آمارهای مرکز تحقیقات صداوسیما، در گذشته بیش از ۶۴ درصد مردم در نظرسنجی‌ها اعلام می‌کردند که خودشان را در شبکه‌های ملی نمی‌بینند، در حالی که ۷۵ درصد آنان معتقد بودند سوژه‌های جذاب و فراوانی در استان‌ها وجود دارد که می‌تواند به سریال و آثار نمایشی فاخر تبدیل شود.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید

یادداشت

دکتر محمدمهدی قاسمی | مدیر شبکه سلامت

اطلاع‌رسانی سلامت و ساختن فرهنگ عمومی

سلامت، یکی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های کیفیت زندگی و سرمایه اجتماعی هر کشور است. حفظ و ارتقای آن نیز صرفا در مراکز درمانی و با مداخلات پزشکی محقق نمی‌شود؛ بلکه نیازمند شکل‌گیری دانشی عمومی، انتخاب‌هایی آگاهانه و سبک زندگی سالم در خانواده‌ها و جامعه است.

در این میان، رسانه‌ملی با برخورداری از گستره وسیع مخاطبان، تنوع قالب‌های برنامه‌سازی و ارتباط مستمر با مردم، نقشی تعیین‌کننده در فرهنگ‌سازی سلامت ایفا کرده است. تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد صداوسیما توانسته در بزنگاه‌های مهم و نیز در مسیر اطلاع‌رسانی مستمر، به یکی از اصلی‌ترین مراجع آگاهی‌بخشی سلامت برای مردم تبدیل شود.

از آموزش‌های عمومی درباره پیشگیری و اصلاح سبک زندگی تا تبیین توصیه‌های تخصصی به زبانی ساده و قابل فهم، رسانه‌ملی همواره کوشیده میان جامعه علمی و زندگی روزمره مردم پل بزند. موفقیت رسانه‌ملی در حوزه سلامت، بیش از هر چیز در توانایی آن برای تبدیل مفاهیم تخصصی به پیام‌های فراگیر، کاربردی و قابل استفاده در زندگی مردم نمود یافته است. امروز موضوعاتی مانند تغذیه سالم، تحرک بدنی، پیشگیری از بیماری‌ها، سلامت روان، سلامت خانواده و توجه به اطلاعات معتبر پزشکی، بیش از گذشته در گفت‌وگوهای عمومی و فضای خانواده‌ها حضور دارد و بی‌تردید رسانه‌ملی در تقویت این حساسیت و آگاهی اجتماعی سهمی مؤثر داشته است. ظرفیت رسانه البته محدود به برنامه‌های تخصصی پزشکی و سلامت نیست. یکی از دستاوردهای مهم رسانه‌ملی در این میان، گسترش نگاه سلامت‌محور در قالب‌های متنوع رسانه‌ای است.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید

آگهی مناقصه عمومی
فراخوان دوم
OICO
...make alive
شرکت راه‌اندازی و بهره‌برداری صنایع نفت (OICO)
در نظر دارد خدمات تأمین ۳ وعده غذای گرم (صبحانه، ناهار، شام) پرسنل خود شاغل در پروژه‌های کارگاه مرکزی، پالایشگاه‌های پنجم هفتم و هشتم پارس جنوبی و ستاد منطقه و انبار مرکزی واقع در منطقه عسلویه را به صورت تحویل در محل های مورد نظر این شرکت از طریق برگزاری مناقصه عمومی به فروشنده واجد شرایط واگذار نماید.
جزئیات آگهی مناقصه و سایر اطلاعات مربوطه
از تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۳۱ لغایت ۱۴۰۵/۰۶/۰۳ در تارنمای اینترنتی شرکت
به نشانی https://tamin.oico.ir قابل مشاهده می‌باشد.
روابط عمومی شرکت راه اندازی و بهره‌برداری صنایع نفت (أیکو)

جام جم
رسانه
۳
MEDIA
دوشنبه ۲ شهریور ۱۴۰۵ شماره ۷۳۹۹